



ناصر طهماسب درگذشت

ناصر طهماسب، از گویندگان و صدایندگان و صدایندگان پیشگام سینما و تلویزیون و صدای ماندگار عرصه دوبله روز جمعه، اول دی ماه بر اثر سکته مغزی درگذشت. مهر ضمن اعلام این خبر نوشت، شهردار بانکی، مدیر روابط عمومی انجمن گویندگان در این مورد گفت: «ناصر طهماسب مدتی پیش سکته مغزی کرد و در بیمارستان بستری شد. او روز جمعه، اول دی ماه بر اثر سکته مغزی درگذشت و روز شنبه، دوم دی ماه هم مراسم خاکسپاری او با حضور خانواده اش انجام شد.» طهماسب دیپلور و گوینده پیشکسوت بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌ها بوده و این سال‌ها روایت بخشی از مستندهای سیاسی را به عهده داشته است. او برادر ایرج طهماسب است. از به‌یادماندنی‌ترین نقش‌هایی که او گویندگی آن‌ها را بر عهده داشته است، می‌توان به جاناتان گرت در «در برابر باد»، فرمانده کسلر در «ارتش سری»، ابوالفتح بازاری علی نصیریان در «هزارستان» اثر علی حاتمی و یوگی در کارتون «یوگی و دوستان» اشاره کرد.



واکنش وزیر به ورود اینفلونسرها

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در واکنش به ورود برخی اینفلونسرها به عرصه تئاتر گفت: «ان شاء الله از این نگرانی هم جلوگیری به عمل می‌آید.» ایرنا ضمن اعلام این خبر نوشت، محمدمهدی اسماعیلی در حاشیه آیین آغاز عملیات اجرایی حریم هنری تئاتر شهر در جمع خبرنگاران، درباره ورود برخی اینفلونسرهای فضای مجازی و اینستاگرامی به عرصه تئاتر اظهار داشت: «امروز بهترین بچه‌های هنری کشور در بخش تئاتر در وزارت فرهنگ مشغول خدمت‌گذاری هستند.» او افزود: «در مجموعه‌ها و پهنه‌های هنری که در اختیار داریم - چه در تئاتر شهر، چه در رودکی و چه در نیاوران - جاهای مختلفی که در اختیار وزارت فرهنگ است بهترین بچه‌های تئاتر و هنرمند ما کار را در اختیار دارند. ان شاء الله از این نگرانی هم جلوگیری به عمل می‌آید.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی روز گذشته نیز به این‌ها گفته بود که بلتفرم‌ها، انسان‌سازان و کانال‌های با بیش از ۵ هزار نفر دنبال‌کننده - چه داخلی، چه خارجی - باید ثبت رسمی شوند؛ چرا که چنین امری، فضای رسانه‌ای را منضبط می‌کند.



هوش مصنوعی جایگزین کارمند

گوگل ظاهراً قصد دارد کارکنان بخش فروش خود را که مشغول آن‌ها توسط ابزارهای هوش مصنوعی جدید این شرکت خودکار شده است، اخراج کند یا اینکه از آن‌ها بخواهد در منصب دیگری مشغول به کار شوند. در بخش فروش و تبلیغات گوگل بیش از ۳۰ هزار نفر مشغول به کار هستند و گوگل به آن‌ها گفته است که در این بخش «سازماندهی مجددی» انجام خواهد داد. دیجیتالو ضمن اعلام این خبر نوشت، براساس گزارش The Information، هنوز مشخص نیست که چه تعداد از کارکنان در نهایت تحت تأثیر تصمیم گوگل قرار خواهند گرفت. در اوایل سال جاری میلادی، گوگل تبلیغات مبتنی بر هوش مصنوعی را آغاز کرد. به عنوان بخشی از این ابتکار، گوگل در تلاش است تا از فناوری هوش مصنوعی برای ارائه محتوای تبلیغاتی به‌طور خودکار در صفحات فرود یا لنڈینگ استفاده کند. براساس گزارش‌ها، گوگل به کارمندان خود گفته است که کسب‌وکار تبلیغات را سازماندهی مجدد خواهد کرد.

محمد کشاورز از کتاب «رادیو هنوز یک راز بود» می‌گوید

ادبیات پناهگاه اهل اندیشه است



رضا صائمی

خبرنگار گروه فرهنگ



کتاب «رادیو هنوز یک راز بود»، روایت‌هایی درباره کتاب و نوشتن، نوشته‌ی محمد کشاورز، یک اثر خودزندگینامه‌ای و تحلیلی است که به زیبایی به داستان عشق یک نویسنده به کتاب‌ها، قصه‌ها و نوشتن می‌پردازد. این کتاب که شامل ۶ خاطره‌نگاری و سه مقاله است، به بررسی چگونگی شکل‌گیری علاقه‌ی یک نویسنده به دنیای ادبیات و تأثیرات آن بر زندگی و اندیشه‌اش می‌پردازد. کشاورز در این اثر، خوانندگان را با سیر تحول خود به عنوان یک عاشق کتاب و داستان‌نویس همراه می‌کند. از دوران کودکی و نوجوانی‌اش که به شنیدن داستان‌های فولکلوریک و محلی علاقه مند بود، گرفته تا لحظاتی که با کشف یک کتاب در قفسه‌ی معلم‌اش، به دنیای تازه‌ای از

داستان‌ها و ماجراها قدم می‌گذارد. در «رادیو هنوز یک راز بود»، محمد کشاورز به تجربیات شخصی خود در زمینه‌ی خلق داستان‌ها و شور و هیجانی که از کار با رادیو و تولید داستان‌های رادیویی به دست آورده، می‌پردازد. او تصویری جذاب و دلنشین از تلاش‌های خود برای به تصویر کشیدن جهان اطرافش از طریق داستان و کلمه ارائه می‌دهد. کتاب همچنین به بررسی نقش ادبیات و کتاب‌خوانی در شکل‌گیری دیدگاه‌های فردی و اجتماعی می‌پردازد. کشاورز نشان می‌دهد که چگونه داستان‌نویسی و کتاب‌خوانی نه تنها به عنوان یک سرگرمی، بلکه به عنوان ابزاری برای درک بهتر جهان و جامعه عمل می‌کند. «رادیو هنوز یک راز بود»، نه تنها روایتی است از زندگی یک نویسنده، بلکه به تفسیر عمیقی از نقش و اهمیت داستان و ادبیات در زندگی انسان می‌پردازد. این کتاب برای هرکسی که به داستان‌نویسی، ادبیات و تأثیرات آن بر زندگی علاقه‌مند است، منبعی الهام‌بخش و آموزنده است. با محمد کشاورز درباره این کتاب خواندنی به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید:

«رادیو هنوز یک راز بود»، در واقع یک روایت شخصی و خودزندگینامه‌ای که به اصطلاح می‌توان آن را حدیث نفس نویسنده دانست اما در عین حال صرفاً یک خاطره‌نویسی شخصی نیست بلکه از یک تجربه مشترک که برای کتاب‌خوان‌ها و اهل قلم و نویسندگی ملموس است، حرف می‌زند و به همین دلیل می‌توان آن را روایت یک تجربه زیسته فردی تعمیم‌پذیر دانست. چه شد که به این الگو از روایت و نوشتار در این رمان رسیدید؟

در واقع «رادیو هنوز یک راز بود» مجموعه‌ای است از جستارهای روایی با رویکرد زندگی‌نگاره. حداقل ۶ جستار این مجموعه نوعی زندگی‌نگاره با استفاده از شیوه جستار روایی است و سه جستار دیگر بیشتر رویکرد نظری به سه مقوله متفاوت ادبیات خلاق است؛ یعنی روایت، طنز و دغدغه نوشتن. در مورد اول بن‌مایه‌های هر متن از تجربه زیسته من به عنوان یک داستان‌نویس در حوزه زندگی روزمره و سروکار داشتن با کتاب و نوشتن و مصائب آن تأثیر گرفته‌اند و در سه مورد دیگر متأثر از تجربه من است طی سال‌ها نوشتن و واکاوی عناصر و شگردهای نوشتن داستان.

کتاب به چگونگی شکل‌گیری علاقه‌ی یک نویسنده به دنیای ادبیات و تأثیرات آن بر زندگی و اندیشه‌اش می‌پردازد و حتی در این میان به برخی از مفاهیم نظری و تئوریک درباره ادبیات، هنر و روایت هم ارجاع می‌دهد. آیا می‌توان آن را شکلی از ناداستان هم دانست

روایتگر عینیت یک جامعه‌ی متمیزه

نگاهی کوتاه به آثار محمد کشاورز

محمد کشاورز با قامت میانه از پله‌های دوار دفتر روزنامه بالا آمد و در همان ابتدای گفت‌وگو بر عاملیت سانسور در عدم انتشار بعضی داستان‌هایش دست گذاشت. معتقد بود «سانسور بی‌معنا» بزرگ‌ترین ضربه‌را به ادبیات زده و هرکجا که خواسته‌اند سطر یا پاراگرافی از داستان‌هایش را حذف کنند، قید انتشار آن داستان را زده است. از یک منظر هم او نویسنده‌ای گزیده‌کار به حساب می‌آید، چرا که در سه دهه‌ی اخیر، تنها چهار مجموعه‌داستان، یک اثر خودزندگینامه‌ی نام‌ه‌گردآوری یک مجموعه‌داستان از نویسنده‌های شیرازی از او منتشر شده است.

محمد کشاورز اولین کتاب خود را در سال ۱۳۷۴ و با عنوان «پایکوبی» به چاپ رساند؛ مجموعه‌ای شامل ۱۱ داستان کوتاه که یکی از آن‌ها به نام داستان «شهود» جایزه‌ی ادبی گردون را دریافت کرد. این نویسنده



احسان اکبرپور

روزنامه‌نگار

وقتی اول بار در زمستان ۱۳۹۴ با محمد کشاورز قرار مصاحبه‌ای درباره‌ی کتاب تازه‌منتشرشده‌اش به نام «رویه شنی» را گذاشتم، نه با بی‌میلی که به‌آراه پذیرفت. او که در دهه‌ی ۸۰ سردبیر مهم‌ترین مجله‌ی ادبی شیراز بود، در آن روزها چندان دل خوشی نداشت از روزنامه‌هایی که صفحات‌شان فضایی برای ادبیات داستانی نداشت. آن نیم‌روز نیمه‌سرد،

نگاه
منتقد

۱۰ سال بعد با انتشار کتاب «بلبل حلبی»، جایزه‌های ادبی اصفهان و منتقدان و نویسندگان مطبوعات را در بخش بهترین مجموعه‌داستان کوتاه به دست آورد. سومین کتابش به نام «رویه شنی» در سال ۱۳۹۴ منتشر شد که این مجموعه‌داستان نیز جایزه‌ی کتاب سال را نصیب او کرد. این نویسنده در سال ۱۴۰۰ مجموعه‌داستان «کلاهی که پس معرکه ماند» را به چاپ رساند و کتابی با عنوان «شیراز: یک شهر، سی‌ویک داستان» را - که شامل داستان‌هایی درباره‌ی شیراز است - گردآوری کرد. او به‌تازگی کتاب پنجم خود را با عنوان «رادیو هنوز یک راز بود» منتشر کرده و به‌نوعی سنت انتشار هر ۱۰ سال یک کتاب را شکسته است.

محمد کشاورز در داستان‌های خود، روایتگر شخصیت‌هایی است که در وضعیت بحرانی قرار می‌گیرند و واکنش‌های شان، بسته به موقعیت، متناقض، پیچیده و گاهی مبهم است. او جزو آن دسته از نویسندگان واقع‌گراست که بی‌اعتنا به رئالیسم اجتماعی مرسوم نویسندگان نسل پیشین خود، روایت را بر بستر واقعیت‌های روزمره اما عادت‌نشده و بدیع می‌نشانند و با بهره‌گیری از زیست‌جهان شخصی خود در جنوب و به‌ویژه شیراز، فرمی از داستان کوتاه را خلق می‌کند که در ادبیات داستانی ایران کمتر تجربه شده است. معماری داستان‌های کشاورز، اغلب از

گفت‌وگو
با نویسنده